

رد پای فمینیسم لیبرال در آثار رولینگ



○ مهروش طهوری

و در دوران پرورش فرزندان، امتیازات ویژه‌ای تعلق بگیرد و امنیت آنان در خانواده و اجتماع تأمین شود. فمینیست‌های لیبرال، هیچ‌گاه در پی زیر و رو کردن تمام نظام‌های اخلاقی و سنتی نبوده‌اند و به جنگ همه مناسبات فردی و اجتماعی نرفته‌اند. از آن‌جایی که قوانین امروزی کشورهای پیشرفته، تقریباً تمام خواسته‌های آنان را تأمین کرده است، دیگر بحث درباره فمینیسم لیبرال، چندان موضوعیتی ندارد و تنها در تاریخ فمینیسم از آن یاد می‌شود. البته، بین قوانین تصویب شده و واقعیت‌های اجتماعی کشورهای غربی، فاصله‌ای وجود دارد که از عرف، سنت، باورهای نادرست فردی و اجتماعی، پرورش روانی زنانه یا مردانه و... ناشی می‌شود و هویتی مردسالار به این جوامع می‌دهد.

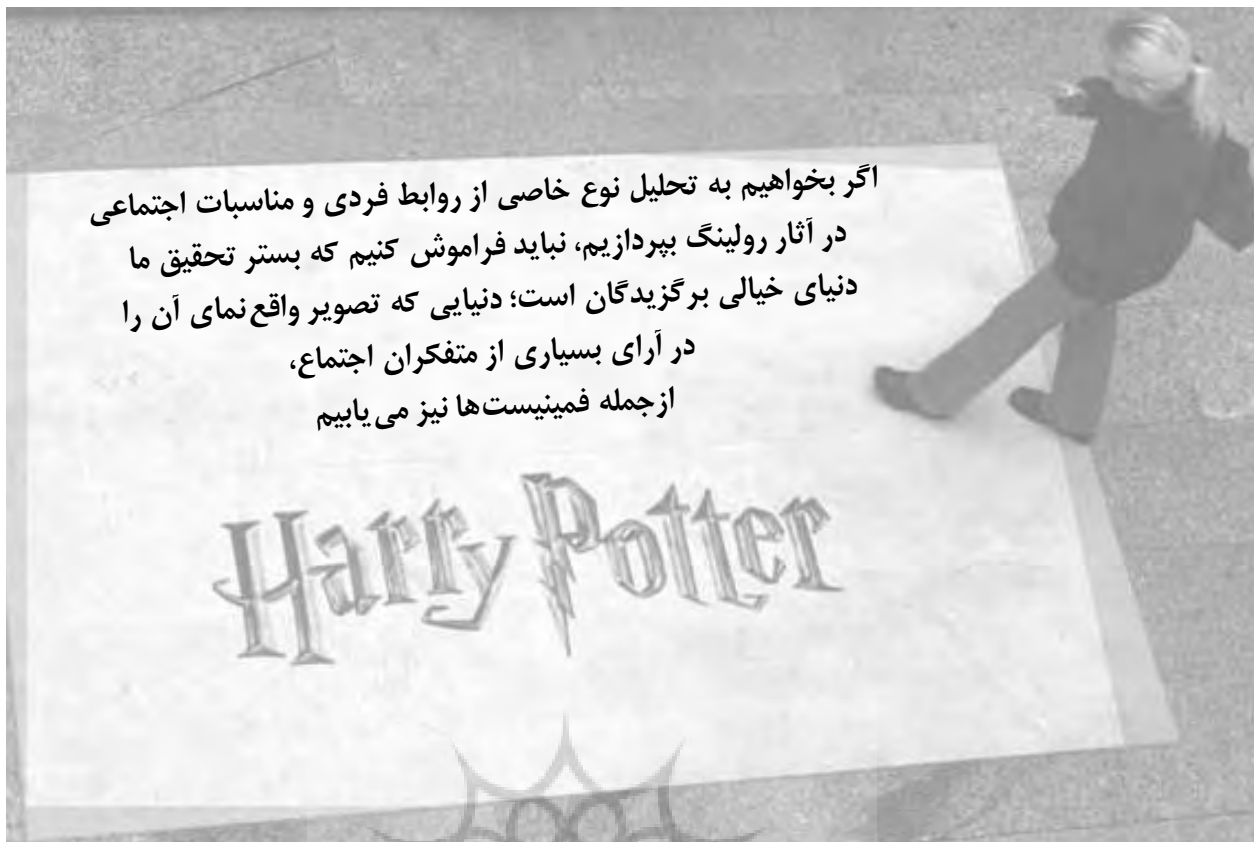
رولینگ نیز که خود در جامعه‌ای زندگی می‌کند که هویتی مردسالار و قوانینی تقریباً غیرمردسالار دارد، در داستانش دنیایی برتر را به تصویر می‌کشد که در آن، حقایق اجتماعی، تناقضی با قوانین عادلانه ندارند و مردان و زنان، چه در سوی خیر و چه در سوی شر، برابر انگاشته می‌شوند. رولینگ به سبب ویژگی‌های مردمدار اجتماع اطرافش، از ذکر نام کاملش روی جلد خودداری می‌کند تا اسم زنانه‌اش، خوانندگان پسر را نرماند و به تبع آن، بازار را از دست ندهد. به همین دلیل، او احتمالاً مجبور بوده است که قهرمانی پسر، یعنی همان هری پاتر بیافریند و از آن‌جایی که دشمن

میان رفتن طبقات اجتماعی تمام مناسبات نادرست اجتماعی اصلاح و مسائلی چون ستمکشی زنان هم برطرف می‌شود. در مقابل، فمینیست‌های رادیکال، بر این باورند که تمام روابط ستمگرانه فردی و اجتماعی، براساس تبعیض جنسی و انقیاد جسمی و روانی زنان پایه‌ریزی شده و تنها راه رهایی از این زندان عظیم، برانداختن تمام نظام‌های ارزشی و اجتماعی قدیمی و درانداختن نظام‌هایی جدید است. در نظر گروهی از فمینیست‌های رادیکال، عشق، ارتباط جنسی زن با مرد، ازدواج، بارداری، زایمان، نگهداری از کودکان و... پدیده‌هایی مضموم‌اند؛ چون همگی به بهره‌کشی از زنان منجر می‌شوند. سوسیال فمینیست‌ها هم با تلفیق پاره‌ای از دیدگاه‌های رادیکال فمینیسم و سنت مارکسیستی، به نتیجه‌ای میانه‌روتر رسیده‌اند.

در این‌جا تصمیم دارم که به طور خلاصه، ردپای نوعی از فمینیسم را که به نظر من با تعریف فمینیسم لیبرال هماهنگی بیشتری دارد، در رمان رولینگ بنمایانم. فمینیسم لیبرال، ابتدایی‌ترین شکل و شاید کم‌توقع‌ترین گرایش فمینیستی است. فمینیست‌های لیبرال، اعتقاد دارند که قانون باید به یک اندازه از زنان و مردان حمایت کند و حقوق و آزادی‌هایی مساوی برای آنان در نظر بگیرد. زنان و مردان باید از فرصت‌های اجتماعی برابر برخوردار و در امر تحصیل، اشتغال و... موقعیتی کاملاً یکسان داشته باشند. باید به زنان در زمان بارداری

در آثار خانم رولینگ، جادوگران، برگزیدگان جامعه انسانی به حساب می‌آیند؛ برگزیدگانی که می‌توانند در خدمت نیروهای خیر یا شر باشند. همان توانایی‌ها و هوشیاری‌هایی که این گروه را از عامه مردم ممتاز می‌کند، سبب می‌شود که در راه خیر یا شر نیز بیشتر پیش بروند. در گیر و دار نبرد صفات اغراق شده نیک و بد که شالوده داستان هری پاتر را می‌سازد، مکان امنی برای ظهور یک آرمان شهر، پدید نمی‌آید. بنابراین، در دنیای برساخته رولینگ، با آرمان شهر یا چیزی شبیه آن رو به رو نمی‌شویم. پس اگر بخواهیم به تحلیل نوع خاصی از روابط فردی و مناسبات اجتماعی در آثار وی بپردازیم، نباید فراموش کنیم که بستر تحقیق واقع‌نمای آن را در آرای بسیاری از متفکران اجتماع، از جمله فمینیست‌ها نیز می‌یابیم.

هرچند تعریف فمینیسم، به شیوه‌ای که دربرگیرنده تمام گرایش‌های گوناگون آن باشد، بسیار دشوار به نظر می‌رسد، به تساهل می‌توان گفت که هدف تمام فمینیست‌ها، دست یافتن به جامعه‌ای است که زنان آن از حقوق، آزادی‌ها و فرصت‌هایی برابر با مردان برخوردار باشند و بتوانند با استفاده از این زمینه مناسب، به کسب فضایل انسانی (با هر تعریف یا تعبیری) بپردازند. شعب مختلف فمینیسم، برای رسیدن به این جامعه برتر - نه ایده‌آل - راهکارهای مختلفی پیشنهاد می‌کنند. مثلاً فمینیست‌های مارکسیست، معتقدند که با از



اگر بخواهیم به تحلیل نوع خاصی از روابط فردی و مناسبات اجتماعی در آثار رولینگ بپردازیم، نباید فراموش کنیم که بستر تحقیق ما دنیای خیالی برگزیدگان است؛ دنیایی که تصویر واقع‌نمای آن را در آرای بسیاری از متفکران اجتماع، از جمله فمینیست‌ها نیز می‌یابیم

رولینگ از زبان هرمایانی، چوچانگ را توصیف می‌کند. هرچند هرمایانی از نظر ذهنی و روانی تفاوت‌های فاحشی با چو دارد، قادر به درک دلایل و احساسات اوست و به همین دلیل، به تحقیر وی نمی‌پردازد. به این ترتیب، رولینگ با به رسمیت شناختن قرائت‌های گوناگون از زنانگی، به استقبال نوعی پلورالیسم می‌رود و مبلغ هیچ ساختار ذهنی - روانی ویژه‌ای برای زنان نمی‌شود.

آن‌چه گفتیم، مؤید آن است که آثار رولینگ گرایشی فمینیستی دارد، ولی این گرایش به هیچ‌وجه رادیکال نیست و به فمینیسم لیبرال نزدیکی بیشتری دارد. او زنان و مردان را سزاوار حقوق و آزادی‌هایی دقیقاً برابر می‌داند، ولی منافع یکی را در تعارض با منافع دیگری نمی‌بیند و دو جنس را به صورت دو دشمن در برابر هم قرار نمی‌دهد. از طرف دیگر، او ستاینده حس مادری، عشق، زیبایی زنانه، کانون گرم خانواده و... است، در حالی که هیچ یک از این‌ها را فمینیست‌های افراطی نمی‌پسندند و حسن به حساب نمی‌آورند.

در پایان، باید به این نکته اشاره کرد که نوشته حاضر، در پی ترسیم تصویری روشن و گویا و در عین حال موجز از دیدگاه فمینیستی خانم رولینگ بوده و درصدد ذکر همه مصادیق موردنظر برنجامده است. بی تردید، می‌توان با ذکر مصادیق متعدد، به ملموس شدن این تصویر کمک کرد، اما در آن صورت نیز هندسه تصویر، با چیزی که در این نوشتار ترسیم شده است، تفاوتی نخواهد داشت.

مالفوی قرار دارد. در میان افراد جاه‌طلب و کوتاه‌فکر نیز آمبریج و فاج، کنار یکدیگر جای می‌گیرند.

در رمان هری پاتر، کمال یا نقصان، به هیچ‌وجه منحصر به مردان یا زنان نیست. مثلاً اگر لاوندر و پروتی زیرک و جالب نیستند، از کرب و گویل هم خنگ‌تر به نظر نمی‌رسند. حتی در عالم اشباح نیز چنین موازنه‌ای به چشم می‌خورد. به عنوان نمونه، عمق و پیچیدگی شخصیت نیک سربریده و مرتل گریان، تفاوت فاحشی با هم ندارد. ضمناً این نکته را نباید فراموش کرد که مرتل، در زمان مرگ نوجوان و سرنیکلاس، مردی کامل بود. رولینگ با ارائه تیپ‌های مختلف زنانه و مردانه، کوشیده است هم از تعصب ضد‌مرد و هم از تبلیغ الگوهای رایج جامعه مدرسالار دور بماند. او به هیچ‌وجه در پی زیر و رو کردن تعریف زنانگی و تعطیل ویژگی‌ها و وظایف آشنای زن نیست. در داستان هری پاتر، زنان مثبت و موفق چون خانم ویزلی، مثل تمام مادران دلسوز سنتی، بار عاطفی خانواده را به دوش می‌کشند، فرزندان‌شان را می‌پرورند، آشپزی و نظافت می‌کنند، لباس می‌بافند، به خرید می‌روند و در کنار این همه، جادوگرانی بسیار ماهر و قابل اعتمادند.

رولینگ، حس مادری را به شدت تقدیس می‌کند. مصونیت هری در برابر جادوی قدرتمند ولدمورت - که یکی از مهم‌ترین ارکان داستان محسوب می‌شود - حاصل ایثار مادرش است که برای نجات او، جان خود را فدا کرد.

هری بایستی ویژگی‌ها و توانایی‌هایی مشابه با وی می‌داشت، خلق ولد مورت نیز در قالب یک مرد، ناگزیر به نظر می‌رسید. گذشته از این جبر، رولینگ بین شخصیت‌های مرد و زن به طور کل، مردان خوب و زنان خوب و مردان بد و زنان بد، چنان موازنه دقیقی برقرار می‌کند که نمی‌تواند خاستگاهی جز توجه خاص به مسائل زنان داشته باشد. در اثر رولینگ تمام اجتماعات جادوگری، در هر سطحی، مختلط است و هیچ مقامی در انحصار مردان یا زنان نیست. مدرسه هاگوارتز، تمام کلاس‌ها، سالن غذاخوری و سالن‌های عمومی آن و هم‌چنین تیم‌های کوئیدپچ، همگی مختلط‌اند. یکی از دو دوست بسیار صمیمی هری پاتر، یعنی هرمایانی گرنجر (که در ترجمه‌ها هرمیون آمده) دختر و تیزهوش‌ترین و با پشتکارترین شاگرد کلاس است و هری بدون کمک وی، در حل بسیاری از مشکلات درمی‌ماند. توجه اغراق‌شده هرمایانی به وضعیت رقت‌بار جن‌های خانگی نیز از توجه رولینگ به تبعیض‌های اجتماعی، از جمله تبعیض جنسی حکایت می‌کند. در هاگوارتز، پروفسور مک‌گونگال، مهم‌ترین پشتیبان پروفسور دامبلدور به حساب می‌آید و دقیقاً در برابر او و در سمت شر، بلاتریکس قرار دارد که وجود وی برای لرد ولدمورت بسیار ارزشمند است. اهمیت خانم ویزلی در دنیای جادوگری و مبارزه با جادوی سیاه، به هیچ‌وجه کم‌تر از آقای ویزلی نیست و در برابر او در سوی دیگر، ناریسیا مالفوی، همسر لوسیوس

